



\* "حسن رادمرد" موسیقیدان و موسیقی شناس معاصر، خاطرات خواندنی و آموزنده و روشنگر از سرگذشت موسیقی و گسترش آن طی پنجاه سال اخیر دارد. پای صحبت این هنرمند نشستیم، باشد که سخنان وی منظور ما را در باره شناسائی موسیقی نوین ایران از گذشته تا به امروز برآورده سازد و همچنین مورد توجه خوانندگان عزیز مجله "هفت هنر" قرار گیرد.



\* استاد " حسن رادمرد " را خسته و بیمار دریکی از کوچه‌های درخوانگاه که به نام او نامگذاری شده، ملاقات می‌کنم، از همه بدتر، استاد داغ فرزند را نیز به دل دارد، بعد از احوالپرسی سئوالم را در زمینه گسترش موسیقی ایران طی سالهای اخیر مطرح می‌کنم، " استاد حسن رادمرد " می‌گوید:

- موسیقی ایران در زمان قاجاریه به صورت تکنوازی انجام می‌شد بعد از آنکه مدرسه دارالفنون به پیشنهاد امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ تاسیس شد، شعبه‌ای بنام ( موزیک ) بوجود آمد و برای اداره این شعبه، شخصی بنام " لومر " از کشور فرانسه استخدام شد. در شعبه " موزیک، موسیقی بین‌المللی و موسیقی نظام تدریس می‌شد.

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، " مسیو دوال " نامی از فرانسه برای آموزش سازهای سیمی استخدام شد.

حسین خان هنگ‌آفرین ( سه‌تار نواز ) ابراهیم خان آژند ( کمانچه نواز ) شاگردان شعبه موزیک بودند و زیر نظر مسیو دوال به آموزش موسیقی و انتقال ردیف‌های آواز به پیانو و ویلن پرداختند. سالار معزز ردیف‌های آواز ایرانی را به پیانو منتقل کرد. ناگفته نماند از مرحوم " لومر " دو جلد کتاب تئوری موزیک و مقدمات هارمونی که با چاپ سنگی تهیه شده، موجود است و مترجم همایون آنها را از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است.

سالار معزز ( غلامرضاخان مین باشیان ) از برجسته‌ترین شاگردان لومر بود که علاوه بر تسلط به موسیقی، با تار نوازندگی می‌کرد. تمام قوانین علمی موسیقی را نیز از مسیو لومر آموخت و برای تکمیل اطلاعات خود به شهر پتروگراد روسیه که امروز لنینگراد نام گرفته، اعزام شد. غلامرضاخان پس از اتمام تحصیلات به ایران بازگشت و به معاونت لومر انتخاب شد. لومر پس از چند سال خدمت به موسیقی ایران، قبل از مشروطیت فوت کرد. " حدود سه چهار سال پیش از مشروطه " . با مرگ لومر عملاً " شعبه موزیک دارالفنون تعطیل شد .

موسیقی پس از مشروطه :

بعد از استقرار مشروطیت در سال ۱۲۸۸ شمسی، مرحوم سالار معزز مامور تشکیل ارکستر همایونی در مدرسه دارالفنون شد که حکم این انتصاب در دفتر هنرستان عالی موسیقی " پرونده موزیک سابق " موجود است .  
در سال ۱۲۹۲ شمسی مجدداً " شعبه موزیک دارالفنون بوجود آمد معاون



### آقای علینقی وزیری

این شعبه ابراهیم خان آژند بود و موسیقی ایرانی از روی ردیفهای مرحوم سالار معزز (ردیف ماهور) که در لپیزیک به طبع رسیده بود، توسط حسین خان هنگ آفرین تدریس می شد. و مرحوم نصرالله خان مین باشیان " پدر آقای پهلبد - وزیر فرهنگ و هنر " که از روسیه به ایران آمده بود، مشغول تدریس در این مدرسه شد.

این مدرسه در سال ۱۲۹۷ مستقلاً به نام مدرسه موزیک نامیده شد. در این زمان رئیس موزیک قزاقخانه مرحوم نصرالله خان، و سایر دستجات موزیک " سالار معزز " بود. ضمناً رئیس مدرسه موزیک سالار معزز و نصرالله خان معاون وی بود. این مدرسه در سال ۱۲۹۷ بنام " هنرستان عالی موسیقی " نامگذاری شد.

اقدام اعلیحضرت رضا شاه کبیر

در کودتای ۱۲۹۹ حوت و پس از متحدالشکل شدن قشون ایران، چون احساس شد، معلم موزیک برای موزیک نظام نیست، اعلیحضرت رضا شاه کبیر فرامینی در زمینه تقویت موزیک صادر فرمودند.

در سال ۱۳۰۱ امتحانات هنرستان موسیقی برگزار شد و اعلیحضرت فقید شخصاً در یکی از جلسه های امتحان شرکت فرمودند و هنرجویان را مورد تفقد قرار دادند و سه نفر را که فارغ التحصیل شده بودند، به درجه ستوان دومی مفتخر فرمودند. در همان سال امر به تهیه دستورالعمل دروس موزیک فرمودند و اوامر معظم له در سال ۱۳۰۳ عملی گردید.

در همان سالها، اشعار سرودها را مرحوم وحید دستگردی و امیر جاهد می ساختند و آهنگها را هنرآموزان هنرستانها در دبستانهای پسرانه تدریس می کردند. این وضع تا سال ۱۳۰۷ ادامه یافت. در همان سال قانونی از مجلس گذشت که افراد نظامی نمی توانند در مدارس تدریس نمایند و بدین ترتیب مدرسه به علینقی وزیر سپرده شد.

علینقی وزیر به سبک موسیقی خودش توجه داشت. عارف سبک وزیر را نمی پسندید، اوضاعی پیش آمد که رشته موزیک نظامی تقریبا "تعطیل شد". در این هنگام ارتش مجبور شد هنرجویان خود را به کشور آلمان بفرستد. از جمله کسانی که به آلمان رفتند، سرتیپ غلامحسین خان مین باشیان، سرتیپ سرشار و سرهنگ داودی بودند که اینک هر سه بازنشسته هستند.

### سلام شاهنشاهی

یادم رفت بگویم که سلام شاهنشاهی نیز در چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ به دستور اعلیحضرت رضا شاه کبیر عوض شد. و سرود شاهنشاهی امروز، در سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ توسط سرهنگ داود نجمی بوجود آمد. ریاست علینقی وزیر به مدرسه موزیک تا سال ۱۳۱۳ ادامه داشت. در زمان او بیشترین توجه به موسیقی و ردیفهای ایرانی می شد، در نتیجه آموزش موسیقی غربی کمتر پی گیری می شد. بعد از وزیری، ریاست مدرسه به غلامحسین مین باشیان که در آلمان تحصیلاتی کرده بود، واگذار شد و مجددا "برنامه موسیقی غربی، جایگزین موسیقی ایرانی شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

### ایجاد اداره موسیقی کشور

اعلیحضرت رضاشاه کبیر پس از مسافرت به ترکیه و مراجعت فرمان تشکیل اداره موسیقی کشور و ارکستر سمفونیک را صادر فرمودند. برای نوازندگی در ارکستر یادشده و تدریس یازده نفر استاد از "پراگ" استخدام شد. ضمنا "در سالهای ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ (درست یادم نیست.) رسماً" تدریس سرود موسیقی در کلاسهای دوره ابتدائی، سیکل دوم مدرسه فنی دختران و دانشسراهای پسران و دختران مورد تصویب شورای عالی فرهنگ قرار گرفت. در آن زمان برای تدریس موسیقی از معلمان ارتش نظامی که استعفا کرده بودند، دعوت به همکاری کردند و از آن جمله ضیاء مختاری برای تدریس در اداره پیشاهنگی انتخاب شد و من به اداره موسیقی کشور منتقل شدم. البته یک دسته موزیکی از دختران نیز توسط وزارت



فرهنگ تشکیل شده بود که از وجودشان در مواقع رژه و جشنها و سانها استفاده می شد .

رادیو تاء سپس شد

۳۷ سال پیش، بعد از آن که رادیو ایران تاسیس شد ، بخش موسیقی رادیو به عهده اداره موسیقی کشور گذاشته شد .  
تشکیلات اداره موسیقی کشور از هر حیث چه از نظر تعلیم و چه از نظر برنامه ریزی خوب بود تا اینکه وقایع شهریور ۱۳۲۵ پیش آمد .

رضا شاه کبیر به سرودها توجه مخصوصی داشتند

اعلیحضرت رضاشاه کبیر ، همیشه توجهی خاص به سرود داشتند ، اغلب سرودها را خودشان انتخاب می فرمودند . منجمله " سرود پرچم " ، " سرود فرهنگ " به امر ایشان ساخته شد . آهنگ " سرود پرچم از ساخته های من است که شعر آن را " سالک " در سال ۱۳۱۷ تهیه نموده است ، این سرود توسط یک گردان نظامی در باغشاه به عرض رسید . آهنگ " سرود فرهنگ " را " خادمی میثاق " ساخته و شعر آن نیز از " سالک " است . اعلیحضرت رضاشاه کبیر فرمان دادند ، موزیک در کودکانها تدریس گردد . که نمونه ای از این سرودها با نام " نغمه کودک " به کوشش خانم شوکت ملک جهانبانی تهیه و توسط هنرستان موسیقی ملی چاپ

شده است .

سرودهای دیگر بتدریج تهیه شد . من و روح‌الله خالقی برای پیشرفت سرود ، فعالیت فراوانی داشتیم و کتابهایی از سرود تهیه و چاپ شد . بعد از وقایع ۱۳۲۵ ، اداره موسیقی کشور مجدداً " به غلامحسین خان مین باشیان سپرده شد و کلیه متخصصین خارجی را جواب کردند . در سال ۱۳۲۴ ، پرویز محمود به ریاست هنرستان منسوب شد ( بنده از سال ۱۳۱۷ به عنوان مامور ، هنرستان ملی موسیقی و هم دایره موسیقی رادیو را اداره می‌کردم ) .

پرویز محمود طرفدار موسیقی غرب بود . بهمین جهت برنامه موسیقی ایرانی را حذف کرد و این کشمکش‌ها ادامه داشت تا این‌که مرحوم خالقی با کمک انجمن موسیقی ملی ، هنرستان موسیقی ملی را تاسیس کرد و چون وجود هر دو هنرستان یعنی هنرستان عالی موسیقی و هنرستان موسیقی ملی لازم و ضروری بود . بدین ترتیب هر دو هنرستان جزو تشکیلات هنرهای زیبای کشور شد . هنرستان عالی موسیقی ، رؤسای مختلفی داشت : مدتی روبیک‌گرگوریان ، سنجری ، خانم خسروی رئیس هنرستان بودند ، بعد بامشاد ، غلامحسین غریب ، یوسف‌زاده و رهبری رئیس این هنرستان شدند . در هنرستان موسیقی ملی نیز خالقی ، مفتاح ، دهلوی ، پورتراب و رهبری ریاست را به ترتیب عهده دار شدند .

### گسترش واقعی موسیقی

اصولاً " وضع موسیقی دانان امروز با مقایسه موسیقی دانان دوره قاجاریه ، دگرگونی‌های بسیاری یافته است . در آن زمان موسیقی دانها تامین جانی نداشتند ،



شعاع الدوله برای اینکه درویش خان نوازندگی نکند، او را از هر حیث مورد تهدید جانی قرار داد و درویش خان مجبور شد به سفارت انگلیس پناهنده شود. در صورتی که در سال ۱۳۰۰ اعلیحضرت رضا شاه کبیر با افزودن ۲۰۰ هزار تومان به بودجه معارف آن روز فرمان دادند که موسیقی باید حفظ شود و وسایل کار برای موسیقی دانها خریداری گردد. در سال ۱۳۰۰ مدرسه موسیقی فقط ۲ پیانو داشت که یکی از آنها از پیش وجود داشت و بعد به فرمان اعلیحضرت رضا شاه کبیر، پیانوی دیگری خریداری شد. اما اینک در هر اتاق مدارس موسیقی کشور ما دو تا پیانو وجود دارد.

در آن موقع چند افسر موزیک ارتش معلم موسیقی بودند، ولی امروزه جوانان علاقه مند موسیقی به خارج اعزام می شوند و در ایران امروز دهها کارشناس تحصیل کرده موسیقی داریم و نوازندگان خوبی در اپرا و ارکستر سمفونی داریم.

#### همه مخالف بودند

استاد حسن رادمرد از آغاز کار شروع به آموختن موسیقی که نمایانگر طرز فکر مردم آن روز در باره موسیقی است، خاطرات شیرینی دارد، می گوید:

"- در سال ۱۲۹۷ آموختن موسیقی را به طور جدی آغاز کردم و در سال ۱۳۰۵ دیپلم گرفتم، همه مخالف بودند که من موسیقی بیاموزم، ولی خودم علاقه زیادی به موسیقی داشتم. من علاوه بر تحصیلات موزیکی که داشتم، یک دوره ویلن در پیش حسین خان هنگ آفرین، یک دوره سه تار در خدمت درویش خان، گذرانده ام و دوره گمانچه را هم نزد استاد حسین خان اسماعیل زاده نواخته ام. دوره تار را پیش شهنازی گذرانده ام. من در سال ۱۳۳۸ پس از ۴۰ سال خدمت بازنشسته شدم و مجدداً به خدمت موسیقی همت گماشتم و به سرکار بازگشتم بنده از سال ۱۲۹۷ تا به امروز به موسیقی خدمت می کنم، از سال ۱۳۰۰ تدریس را آغاز کرده ام و امسال با توجه به سال ۱۲۹۷ که آغاز کارم می باشد، ۵۸ سال است معلم موسیقی هستم.

در سال ۱۳۰۵ لیسانس موزیک گرفتم، ردیفهای موسیقی را با سازهای مختلف اجرا کرده ام و بیشتر کارم استخدام موسیقی شرق در خدمت موسیقی ایرانی بود، ملودیها و سرودهایم را از میان ردیفهای ایرانی بیرون کشیده ام. سرود کودکستانی "عروسک خوشگل" را از ماهور و "کلاغه" را از دشتی بیرون کشیده ام و همواره سعی کرده ام این هدف را پی گیری نمایم.

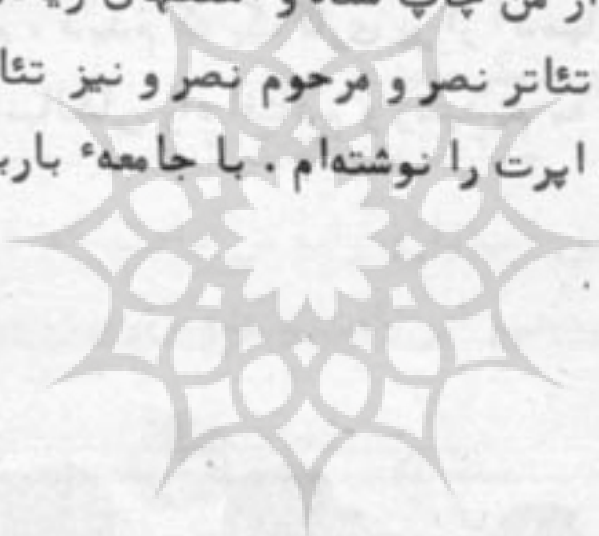
همیشه برنده بودم

استاد حسن رادمرد سخت بیمار است، تک سرفه‌ها امانش نمی‌دهد، خانواده‌اش درگیر برگزاری نخستین سال درگذشت فرزندش هستند، معه‌ذا استاد با وجود خستگی فراوان، به سخنانش ادامه می‌دهد:

"- در مورد هارمونی موسیقی شرق، مطالعات زیادی دارم، همیشه سعی کرده‌ام پس از مطالعه فراوان، در موارد خاص موسیقی اظهار نظر نمایم. در مسابقات ساختن مارشها و سرودها همواره موفق بوده‌ام از جمله سرود "انقلاب"، "تاجگذاری" و "نیایش ۲۵ سال سلطنت".

به کشورهای زیادی مسافرت کرده‌ام، به کانادا، امریکا و روسیه سفر کرده، تالیفاتی در زمینه موسیقی ایرانی و سازشناسی دارم، چندی پیش اتحادیه آهنگسازان روسیه نواری از کارهای اجرا شده من خواسته است.

موسیقی سازشناسی غربی از من چاپ شده و آهنگهای زیادی نوشته‌ام. از سال ۱۳۲۵ بمدت چند سال با تئاتر نصر و مرحوم نصر و نیز تئاتر دهقان، جامعه باربد همکاری داشتم و چند اپرت را نوشته‌ام. با جامعه باربد بیش از پنجاه سال همکاری داشتم.



توصیه استاد

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

استاد حسن رادمرد می‌گوید:

"- وظیفه شاگردان موسیقی ایرانی، فوق العاده سنگین است، برای اینکه باید تمام قواعد و قوانین موسیقی غرب را بدانند و لااقل به نواختن دو ساز غربی مخصوصاً "پیانو آشنا باشند.

یک موسیقی‌دان ایرانی باید به نواختن چند ساز موسیقی ایرانی آشنائی و تسلط کامل داشته باشد.

برای یک موسیقی‌دان خوب، لازم است: لااقل ۲۵ سال تمام تحصیل موسیقی بکند.

آنچه مسلم است ترانه خوانی در کشور ما عقب رفته، دخترکی می‌آید پنج ترانه می‌خواند، ناگهان خواننده مشهوری می‌شود در حالیکه باید ۲۵ سال تمام زحمت بکشد، ردیف یاد بگیرد، بداند کمپوزیسیون چیست.....



## سرنوشت اپرا در ایران .

اعلیحضرت رضا شاه کبیر به اپرا علاقه فراوان داشتند ، فرمان دادند که نخستین اپرا ساخته شود ، در محل بانک رهنی ایران واقع در خیابان فردوسی ، اپرائی ساخته شد که متاسفانه دیدند پایه و بنیاد آن مناسب این کار نیست ، ناچار بهم زدند تا اینکه اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر فرمان دادند تالار رودکی ساخته شود .

## یک خاطره .

اینک کشور ما دچار تحولات چشمگیری شده است . و اصلاً " با گذشته‌های خیلی دور فاصله گرفته است . یادم می‌آید یک روزی داشتم از مدرسه دارالفنون بمنزل برمی‌گشتم ، دیدم که یک گاری پر از آدمهای مرده را مثل هیزم روی هم ریخته‌اند ، به دنبالشان راه افتادم و رسیدیم به چهار راه حسن آباد ، همان



جائی که اینک آتش نشانی واقع است ، در آنجا گودالی را کنده بودند ، مرده‌ها را که از گرسنگی و تیفوس و قحطی تلف شده بودند در آن گودال ریختند و رویش را پوشاندند .

در آن زمانهای دور دولت دم پختک درست می‌کرد و به مردم می‌داد ، در حالیکه در سلطان آباد اراک ، نایب حسین کاشی راه را به ژاندارمها که گندم به تهران می‌آوردند بسته و غارت کرده بود ، فکرمی‌کنم سال ۱۲۹۶ بود و امیدوارم آن سالهای شوم را هرگز به خاطرم‌ان نیز نیاوریم .

من برای اینکه موسیقی یاد می‌گرفتم دچار مشکلات فراوانی بودم ، آخوند محله و همسایه‌ها طور دیگری بمن می‌نگریستند ، ولی هیچیک از این عوامل برایم مهم نبود ، مبارزه واقعی می‌کردم ، ایجاد ایران نوین مرهون تدبیر بلند و قابل احترام رضاشاه کبیر و فرزند برومندشان شاهنشاه آریامهر می‌باشد . از اعلیحضرت رضاشاه کبیر که عنایت خاصی به بنده داشتند ، خاطرات فراوانی دارم که مناسب ادامه این گفتگو نیست و فرصتی دیگر باید ."

با استاد حسن رادمرد نزدیک به چهار ساعت گفتگو کرده بودم ، باپوزش فراوان ، خدا حافظی کردم ولی استاد این امیدواری را به من دادند که در فرصت مناسبی دیگر گفت و شنودمان را ادامه بدهیم این گفت و شنود فرصت خوبی برایم بود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

